

گندی
ما که آزادی را دوست نداریم، نمی‌توانیم نان آزادی را بخوریم و اگر هم بخوریم، آن را هضم نخواهیم کرد.

www.mandegardaily.com

سال هشتم شماره ۱۹۶۰ سه‌شنبه ۱۹ دلو/ بهمن ۱۳۹۵ ۱۰ جمادی‌الاول ۱۴۳۸ ۷ فبروری ۲۰۱۷

ماندگار

روزنامه صبح افغانستان

چاپ همزمان: کابل - هرات

پخش همزمان:
بلخ
پروان
پنجشیر
میدان وردگ
و کاپیسا

به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.

عزیزی بانک
Azizi Bank

www.azizibank.af 1515

اکرم خپلواک: حزب اسلامی باید خلع سلاح شود



صفحه ۶

سازمان ملل: تلفات غیر نظامیان به بالاترین سطح رسیده است



صفحه ۶

غنی:
د افغانستان په اړه غونډو کې
باید افغان پلاوی هم گډون ولري

صفحه ۶

حکمتیار و صلح
از هم فاصله دارند

صفحه ۶

رییس اجرایی:
برفباری‌های بی‌سابقه
۱۰۷ کشته برجا گذاشت

صفحه ۶

اعضای مجلس و شورای ولایتی کابل:
مقامات حکومتی
و اعضای پارلمان
مجرمان را آزاد
می‌کنند

صفحه ۶

افغانستان سرزمین محاط
به هزار و یک مصیبت

از صفحه فیسبوک احمدولی مسعود

در گذشته‌ها وقتی می‌خواندیم یا می‌نوشتیم، کشور ما افغانستان محاط به خشکه است، آنانی که درک نسبتاً بالایی داشتند، قلباً متأثر می‌شدند و این احساس مشترک در سیمای هر یک ظاهر می‌شد که چرا به چنین روز و جغرافیایی افتاده‌ایم.

امروز همان افغانستان به گونه کامل، محاط به بحران و تهدید است، محاط به تروریسم و مخدرات است، محاط به فقر و فساد و صد و یک مصیبت دیگر، چنان بیچاره و درمانده شده است که هر که از رهبر و رعیت به گفته عامیانه تلاش دارند، "خر خود را از گل بکشند".

و باعث این همه سیر نزولی از نظر من، آفت سیاسی-اخلاقی رهبران خود کامه، خود ساخته و تحمیلی ایست که از ظرفیت رهبری سرزمین هزارویک درد ما به پیماناه ستارگان آسمان بدور اند.

بیشترین آنانی که از بیرون آمده اند، ماموران دیگران‌اند و سالیان دراز اینگونه بوده اند و همین‌گونه اینجا و آنجا باقی خواهند ماند. و اما اغلب کسانی که از میان مردم به دولت راه یافته‌اند، دریغاً که تا هنوز جایگاه خود را در دولت نیافته‌اند، میان مأموریت و رسالت، میان وسیله و هدف، سرانجام میان دوست و دشمن سرگردان‌اند و هرچه را به نام سیاست دانسته و ندانسته به حساب دیگران واریز می‌کنند.

این جاست که وقتی در مقابل حریف کم می‌آرند، مجبورند سرنوشت مردم را به طرف مقابل واگذار کنند و بعد برای توجیه ندانم کاری و ناتوانی خود قیل و قال راه‌اندازی نمایند. مبلغین بی‌برنامه‌ای که بیشتر با فراقتی، مظلوم‌نمایی و ظاهر سازی، از اصل مسوولیت خود به بی‌راهه می‌روند.

صفحه ۶

صفحه ۶

احمد فرزاد



سخن ماندگار

حکمتیار و صلح

از هم فاصله دارند

به تازه‌گی، اسم گلبدین حکمتیار از فهرست سیاه شورای امنیت سازمان ملل متحد بیرون شده و این امر، واکنش‌هایی را در سطح کشور برانگیخته است. آقای حکمتیار به عنوان یک شخصیت تاریخی منفی در میان اکثر شهروندان کشور به‌ویژه پایتخت‌نشینان برجسته شده است، اما بدون شک او هواخواهانی نیز دارد.

پیش از این، اسم حکمتیار به دلیل قرار داشتن او در کنار تروریستان و نیز ایستادن در برابر نظام و انجام حملات انتحاری و انفجاری، در فهرست سیاه سازمان ملل قرار داشت؛ اما سرانجام بعد از مدت‌ها تلاش به هدف آوردن حکمتیار به کابل، نام او از فهرست سیاه سازمان ملل حذف شد.

اکنون نماینده حزب آقای حکمتیار به جای نشان دادن واکنش مثبت نسبت به این اقدام شورای امنیت سازمان ملل متحد، می‌گوید که این حزب نمی‌خواهد سلاح و مهماتش را به دولت تسلیم کند. این در حالی است که تنها تعهد حزب اسلامی در توافق‌نامه میان حزب و ارگ و شورای عالی صلح، ترک خصومت و تسلیم سلاح و مهمات به دولت بوده است.

تا پیش از بیرون شدن اسم آقای حکمتیار، نماینده‌های او همواره تأکید می‌کردند که این حزب سلاح و مهماتش را به دولت واگذار می‌کند و خود به روند صلح می‌پیوندد. اما حالا که اسم آقای حکمتیار از فهرست سیاه سازمان ملل بیرون شده است، آنان می‌گویند که حاضر به تسلیم کردن جنگ‌افزارهایشان نیستند. این عهدشکنی در حالی است که دولت امتیازهای فوق‌العاده‌یی را به این حزب اعطا کرده و خواهد کرد. این حزب قبل از گفت‌وگوهای صلح نیز شریک قدرت بوده و در دولت آقای کرزی و غنی حضور سنگین داشته است. اما با شکل‌گیری گفت‌وگوهای صلح با حکمتیار، امتیازهای کلان‌تری به شخص او و حلقه خاص وی اعطا شده و یا در حال اعطا و اجراء است. برخی فرماندهان این حزب دوباره وارد کابل شده‌اند، به آنان خانه‌های امن و امکانات وافر هدیه شده و نیز چندین حویلی وسیع و مستحکم به شخص آقای حکمتیار و خانواده‌اش در نظر گرفته شده است. هم‌اکنون برخی از اعضای خانواده حکمتیار، از امکانات بسیار فوق‌العاده اقتصادی و امنیتی در کشور برخوردار شده‌اند. ساخت شهرک‌های مسکونی به مهاجران عودت‌کرده وابسته به حزب اسلامی نیز آغاز شده و حتی قرار است که صدها طالب و دیگر زندانیان خطرناک، زیر نام زندانیان حزب اسلامی از زندان‌ها رها شوند.

با این‌همه، هیچ گامی از طرف آقای حکمتیار در راستای صلح و ثبات واقعی - نه شعاری - برداشته نشده است. چنان‌که هنوز هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید که با آمدن آقای حکمتیار، حتی در یک قریه نیز صلح برقرار می‌شود. در چنین شرایطی، به جرأت می‌توان گفت آن‌چه که تا کنون حکومت برای حزب اسلامی حکمتیار انجام داده، دلبری یک‌طرفه و کودکانه بوده است که به تشجیع دیگر گروه‌های تروریستی و مخالف منجر خواهد شد.

این‌که نماینده‌های حزب اسلامی چه بهانه‌یی را برای تحویل ندادن اسلحه و مهمات‌شان مطرح می‌کنند، مهم نیست؛ زیرا آنان مکلف به عملی کردن این تعهد در برابر کوه اقداماتی اند که دولت برای‌شان انجام داده است. اما از طرف دیگر، ممکن است این گروه به دلیل این‌که جبهات منظم در برابر دولت ندارد و سنگری به نام حزب اسلامی وجود نداشته و همه اعضای پیشین این حزب در شمار طالبان یا داعش بوده‌اند، نتواند اسلحه و مهمات قابل ملاحظه‌یی به دولت تسلیم کند. اما اگر چنین نیست و به‌راستی سنگرهای نظامی حزب اسلامی در جایی فعال است، باید طبق توافق‌نامه عمل شود و نباید این گروه، پس از این، نیروی مسلح داشته باشد.

اگر حزب اسلامی به تعهدش در توافق‌نامه عمل نکند، به معنای آن است که آقای حکمتیار مثل گذشته، پیمان‌شکن و جنگ‌طلب است و میان او و صلح هیچ سازگاری بی وجود ندارد. در چنین صورتی، دولت باید از همین اکنون روی اقدامات بعدی‌اش در قبال این حزب فکر کند، ورنه دردسرهای تازه و خطرناکی برای کشور و مردم خلق خواهد شد و همه فرصت‌ها و دستاوردهای نسبی نیز از بین خواهند رفت.

از مشاوران غنی تا مشاوران عبدالله

رییس‌جمهور غنی با استخدام مشاوران بعضاً باسواد و اغلب کم‌سواد می‌خواهد همه صلاحیت‌ها را به داخل ارگ منتقل کند و مسوولیت‌ها را متوجه وزارت‌خانه‌ها بسازد. بیشتر مشاوران رییس‌جمهور، کم‌تجربه و ناآشنا با ادارات حکومت افغانستان اند؛ اما مداخلات خشک آنان در امور وزارت‌خانه‌ها باعث آنازشی و فروریزی نظم درونی اکثر نهادهای دولتی شده است. وزارت‌هایی چون صحت عامه، تجارت، معادن و پترولیم، اطلاعات و فرهنگ و... عملاً از این رهگذر نظم درونی‌شان فروریخته و به کالبدی بی‌جان بدل شده‌اند.

به عنوان نمونه، دکتور صبا وزیر پیشین وزارت معادن و پترولیم، از شدت مداخلات مشاوران رییس‌جمهور مجبور به استعفا شد و پس از استعفای او، عملاً وزارت معادن وجود ندارد و همه‌چیز در گرو ارگ قرار گرفته است.

مشاورانی این‌چنینی، بدون هیچ مسوولیتی، خواهان غصب صلاحیت‌های وزارت‌های سکتوری هستند و عملاً انکشاف را در افغانستان بطی و ساکن ساخته‌اند. این در حالی است که وزیران و مسوولان نهادهای دولتی در مقابل رییس‌جمهور، پارلمان و مردم مسوولیت دارند و باید به آن‌ها پاسخگو باشند؛ اما عملاً همه صلاحیت‌های‌شان توسط مشاوران رییس‌جمهور غصب شده و به یغما رفته است. این مشکل، بسیاری از نهادهای دولتی را دچار بحران کرده و خیلی از نهادها اگر عملاً زیر تأثیر و مدیریت این افراد نرفته‌اند، در حال جدل و کشمکش با آن‌ها قرار دارند. با این حساب، می‌توان غایت مشاورگزینی‌های غنی را درک و دریافت کرد و ضعف ریاست اجرایی و مشاورانش را نیز به‌وضوح دریافت. حالا که شایسته‌گی در این وطن محلی از اعراب نداشته و ندارد، دست‌کم ای کاش آقای عبدالله نیز مشاورانش را با غایت و استراتژی‌یی نظیر آقای غنی انتخاب می‌کرد تا این‌گونه توزان در همه عرصه‌ها برقرار می‌شد!

از برکت مشوره‌های آنان است که حکومت سقوط نکرده و شهر در امن و امان است! اما با ایجاد دولت وحدت ملی و دوقطبی شدن حکومت میان تیم‌هایی که یکی شعار اصلاحات سر می‌داد و دیگری بانگ تحول، و در این خلال، یکی حنجره خود را افگار کرده بود و دیگری بینی‌اش را سرخ؛ انتظار می‌رفت که لااقل چرخه فاسد مشاورت در حکومت سرنگون گردد و آقایان غنی و عبدالله و در رقابت سالم با یکدیگر، کسانی را به مشوره برگزینند که دانش مشورت‌دهی و انگیزه برای کار را داشته باشند.

در روزهای نخست، هر دو رهبر حکومت از مبارزه با فساد و جذب نیروهای جوان اما متخصص، سخن گفتند و از قضا خوش درخشیدند؛ اما افسوس که دولت مستعجل بود!

آقای غنی در تعیین مشاورین خویش، همان رویکرد حامد کرزی را برگزید و صرفاً کسانی را به مقام مشوره‌دهی رساند که طلبکارش بودند. شاید برخی از این مشاوران، مدیران لایقی به حساب بیایند، اما چون آن‌ها «قرض» خود را از غنی گرفته‌اند، خیرگی در وجودشان برای مردم نهفته نیست. آقای عبدالله نیز مشاورانی را وارد دستگاه دولت ساخت. تنها تفاوت مشاوران رییس اجرایی با مشاوران آقای کرزی، سن و سال آن‌هاست. مشاورین ریاست اجرایی از میان جوان‌ها یا جوان‌ترها انتخاب شدند اما آن‌ها نیز مانند مشاوران حکومت کرزی، بی‌سود و بی‌زیان - و یا کم‌سود و کم‌زیان - اند. البته برای حکومت و نه مردم. دریشی لوکس می‌پوشند، معاش‌شان را می‌گیرند و اکت همه‌چیزفهم‌ها را درمی‌آورند؛ اما دریغ از یک برنامه و استراتژی مفید که از مشوره آن‌ها زاده شود.

در این میان، مسلماً استثنائاتی وجود دارند، اما شمار مشاورین استثنایی و باسواد چنان اندک است و چنان در چرخه فاسد حکومت تقلیل یافته‌اند که نمی‌توان از آن‌ها به عنوان «اصلاح‌گران وضعیت» و «بازوان توانای مردم در حکومت» نام برد.

قانون اساسی به رییس‌جمهوری و اعضای کابینه افغانستان اجازه داده که مشاورانی برای خویش انتخاب کنند تا آن‌ها در ساحات گوناگون اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و تخنیکی به مقامات عالی کشور مشوره‌های لازم را دهند.

پست مشاوریت، مسلماً مقامی رایج و حتماً مهم در همه نظام‌ها و دولت‌هاست. در کشورهای موفق دنیای امروز، مشاوران ورزیده‌ترین و باتجربه‌ترین افراد در عرصه‌های مختلف کاری اند؛ آن‌ها در واقع مغز متفکر تصمیم‌گیرنده‌گان امور اند و موفقیت دولت‌ها، مرهون مشوره‌های خوب آنان و مشورت‌پذیری احسن تصمیم‌گیرنده‌گان حکومت است. اما متأسفانه در حکومت آقای کرزی، پست مشاوریت به زباله‌دان طلایی حکومت تبدیل شد. به این معنا که حکومت ناکاره‌ترین افراد و اشخاص را به کره یا رغبت، با معاش و امتیاز فراوان به این پست می‌گماشت. این‌ها اکثراً کسانی بودند که گرداننده‌گان حکومت بدان‌ها احساس دین می‌کردند.

تجربه نشان داد که این‌گزینه‌ها، جز ادای دین و بستن دهان طلبکاران سمج، هیچ پایه و مبنای علمی و کارکردی بی نداشته و ندارد. از همین رو، نه مشاورین دانش مشوره‌دهی داشته‌اند و نه مقامات سودای شنیدن مشوره را.

حکومت آقای کرزی به‌نحوی از انحاء، حرمسرای از مشاورین بی‌صلاحیت بود. اکثر مشاوران ریاست‌جمهوری آن دوران، خاموش و بی‌صلاحیت بودند و فقط نام پُرمطراق «مشاور» و معاش گزاف آن را با خود حمل می‌کردند. وزارت‌خانه‌ها نیز از چنین مشاورانی خالی نبودند. هر وزیر تا اندازه‌یی که می‌توانست و قانون به او اجازه می‌داد، از حلقه دوستان و مریدانش، مشاور بی‌سود و بی‌زیان استخدام می‌کرد. این مشاوران فقط پوشیدن دریشی و رنگ کردن بوت و بلی‌گویی را یاد داشتند. کار آن‌ها در اداره پراندن مگس و نوشیدن چای بود، اما در بیرون از اداره پیش سیال و رقیب، باد به غیب می‌انداختند و چنین می‌نمایاندند که

اعضای مجلس و شورای ولایتی کابل:

مقامات حکومتی و اعضای پارلمان مجرمان را آزاد می کنند

روح الله بهزاد

شماری از شهروندان، از افزایش جرایم جنایی در شهر کابل شکایت کرده می گویند: قتل، سرقت، موتور و دزدی اموال در شهر کابل روزبه روز افزایش می یابد؛ اما نهادهای امنیتی دست زیر الاشه نشسته این وضعیت را تماشا می کنند.

چند تن از این شهروندان که از روزنامه ماندگار خواهان بررسی این موضوع شده اند، می گویند، این روزها در شهر کابل هیچ چیزی مصون نیست؛ نه شهروندان، نه موترها و اموال و منازل.

از سویی هم، شماری از اعضای مجلس نمایندگان و شورای ولایتی کابل، پولیس شهر کابل را به دست داشتن در قضایای جنایی، بی کفایتی و مسلکی نبودن متهم می کنند و می گویند: اگر پولیس مجرمی را دستگیر هم می کند، اما یکی از مقامات حکومتی یا عضو پارلمان میانجیگری کرده آن را رها می کند.

خواستیم در این زمینه دیدگاه فرماندهی پولیس ولایت کابل را نیز داشته باشیم، اما طی دو روز و با تماس های پی هم به فریدون عبیدی، مدیر مبارزه با جرایم جنایی فرماندهی پولیس کابل، سکرتر آقای عبیدی با بهانه های مختلف ما را با آقای عبیدی وصل نکرد.

احمد فیصل فقیری، یکی از باشندگان ناحیه یازدهم شهر کابل به روزنامه ماندگار می گوید: چند هفته پیش حینی که می خواستم از نانوائی نان بگیریم، دو تن به موترم سوار شده و آن را با خود بردند.

آقای فقیری می افزاید: زمانی که به حوزه امنیتی مراجعه کردم، مسوولان حوزه از من در مورد موتر چند پرسش کردند و امیدواری دادند که آن را پیدا خواهند کرد، اما تا امروز از حوزه امنیتی برایم پاسخ نیامده است.

این شهروند با انتقاد از ناتوانی پولیس در تأمین امنیت مردم و دستگیری و تعقیب مجرمان می گوید: "این جا تنها چیزی به نام حوزه امنیتی وجود دارد، بارها شاهد بوده ایم که مردم را در زیر اداره همین حوزه ها کشته و یا اموالشان را برده اند، اما کسی نه به دنبال مجرم می رود و نه امنیت را درست تأمین می کند."

غلام محمد که خود موترساز است، داستان سرقت



و موترش را چنین روایت می کند: "شام بود که از سرای به طرف خانه حرکت کردم، زمانی که به کوچه مان رسیدم، یک موتر نوع هایلکس در عقبم بود، حینی که موتر را دم خانه توقف دادم، سه نفر مسلح از موتر پایین شدند و مرا از موتر پایین کردند. برایم هشدار دادند، اگر صدایم را بلند کنم، به من شلیک خواهند کرد. همین گونه به موترم نشستند و آن را باخود بردند."

غلام محمد هم چنان می گوید که هم زمان با به سرقت رفتن موترش، حوزه امنیتی شهر را در جریان گذاشته است، درحالی که دو ماه از این رویداد می گذرد، اما از سارق و موترش تا هنوز خبری نیست.

در این حال، دکتر جعفر مهدوی، نماینده مردم کابل در مجلس نمایندگان می گوید، ما شاهد حکومتی هستیم که در گام نخست فاقد مشروعیت حقوقی بود، اما با گذشت زمان و گسترش فساد، ناامنی و بی عدالتی، فاقد مشروعیت مردمی و ملی نیز شده است.

آقای مهدوی می افزاید: مردم افغانستان در ارگ ریاست جمهوری و قصر سپیدار با مجموعه یی به نام حکومت افغانستان مواجه نیستند، بلکه با یک مجموعه متشکل از دوسه باند سیاسی-مافیایی مواجه هستند که پیش از این که به دنبال تأمین امنیت و ایجاد ثبات

و تلاش برای پیشرفت افغانستان برای مردم باشد، به دنبال تصفیه حساب های شخصی و چورکردن بیت المال و به قدرت رساندن خودشان و اطرافیان شان هستند.

به گفته دکتر مهدوی، با توجه به این وضعیت، ما نمی توانیم توقع داشته باشیم که در بخش های سکتوری و امنیتی، استحکاماتی به وجود بیاید که بتواند امنیت برای مردم به ارمغان بیاورد.

این عضو مجلس نمایندگان وزارت دفاع و شورای امنیت ملی را به دزدی و چپاول کردن بیت المال متهم کرده، اذعان داشت: "در چارچوب وزارت دفاع، چورکردن در حد فرماندهان توی ها نیز جریان دارد. حتا از پول مرمی و معاش عساکر دزدی می شود، این گونه هم نیست که نهادهای مسوول در امر تأمین امنیت شهروندان از این دزدی های بی خبر باشند، به همین دلیل عساکر انگیزه یی برای جنگیدن در برابر دشمن ندارند!"

دکتر مهدوی بر این باور است که وزارت امور داخله نیز از "قافله دزدی و چپاول" عقب نمانده است. مسوولان در حوزه ها و فرماندهی پولیس پیش از این که امنیت مردم را تأمین کنند، به دنبال تصفیه حساب های

شخصی، برنامه های قومی و سیاسی و اخاذی از دکان داران، کراچی رانان و موتررانان هستند.

او گفت: "در وضعیتی که انگیزه همه مسوولان منفی و غیرملی باشد، تنها چیزی که مدنظر آنان نیست، بحث تأمین امنیت شهروندان است. بر هیچ شهروندی پوشیده نیست که تقریباً بیش از ۷۰ درصد جرم و جنایتی که در شهر کابل صورت می گیرد، یکی از طرف های آن، مقام امنیتی، فرمانده حوزه، تولی و یا کتدک است و زمانی که طرف دستگیری می شود، یا از حمایت یکی از مقامات حکومت وحدت ملی برخوردار است یا هم یکی از اعضای پارلمان!"

این عضو مجلس بر این باور است که رفتار و سبک و سبب مسوولان حکومت وحدت ملی نشان می دهد که آنان مصروف زمینه سازی برای تقلب در انتخابات آینده ریاست جمهوری و پارلمانی هستند تا از این طریق قدرت را همچنان در دست داشته باشند و حکومت شان را ادامه دهند. بنابراین، شهروندان باید آماده گی داشته باشند و از جناحی حمایت کنند که هیچ یک از مسوولان فعلی حکومت در آن سهم نباشد و در عین حال، آن جناح دارای برنامه مشخص باشد تا مردم شاهد صلح و امنیت در کشور باشند.

از سویی هم، دکتر عظیم الله نیازی، عضو شورای ولایتی کابل به روزنامه ماندگار گفت، بی کاری و نبود اشتغال سبب شده است، بسیاری افراد برای تأمین معیشت شان رو به دزدی و سرقت های مسلحانه بیاورند.

آقای نیازی افزود که نبود پولیس متخصص و مسلکی در نهادهای امنیتی و بی غوری آنان یکی از عوامل دیگری است که دست افراد بی بندوبار را باز نگه داشته و آنان نیز با دل جمع دست به دزدی و سرقت می زنند.

به گفته این عضو شورای ولایتی کابل، زمانی که پولیس کابل کسی را به اتهام جرمی دستگیر هم می کند، حتماً یکی از مقامات حکومتی و یا اعضای پارلمان با میانجیگری آن فرد را رها می کند.

آقای عظیمی با بیان این که اعضای شورای ولایتی کابل همه روزه با فرماندهی کابل در تماس هستند، خاطر نشان ساخت که یکی از مشکلات عمده فرماندهی امنیت کابل، رهایی مجرمان با میانجیگری مقامات حکومتی و وکلای پارلمان است.

این درحالی است که شهر کابل به دلیل بی ثباتی سیاسی، سرقت های مسلحانه، قتل و آلودگی هوا، یکی از بدترین شهرهای جهان از نظر سطح زنده گی معرفی شده است.

سازمان ملل:

تلفات غیر نظامیان به بالاترین سطح رسیده است

هارون مجیدی

سازمان ملل متحد اعلام کرده است که تلفات غیر نظامیان در افغانستان در سال ۲۰۱۶ با ثبت رکورد به بالاترین میزان خود رسیده است.

مسوولان سازمان ملل در افغانستان با اشاره به آمار بالای تلفات افراد ملکی در افغانستان، از طرف های درگیر خواست تا اقدامات عاجل را برای جلوگیری از تلفات غیر نظامیان روی دست گیرند.

بر بنیاد این گزارش سازمان ملل، مرگ و مجروحیت اطفال در سال ۲۰۱۶ به طور بی پیشینه یی افزایش یافته است. در گزارش سازمان ملل تلفات غیر نظامیان در منازعات مسلحانه ۱۱۴۱۸ تن ثبت شده که از این میان، ۳۴۹۸ فرد ملکی کشته و ۷۹۲۰ غیر نظامی دیگر زخمی شده اند.

در گزارش خاطر نشان شده که از شمار تلفات ۳۵۱۲ طفل می باشند که ۹۲۳ کشته و ۲۵۸۹ زخمی را شامل می شود و نشان دهنده افزایش ۲۴ درصدی در مقایسه با مدت زمان مشابه سال قبل می باشد.

نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد در افغانستان دیروز (دوشنبه، ۱۸ دلو) هم زمان با ارائه گزارش سالانه این سازمان در کابل، گفت که در سال ۲۰۱۶ در مجموع ۱۱۴۱۸ فرد در افغانستان کشته و زخمی شده که این یک افزایش ۳ درصدی را نشان می دهد.

تادامیچی یوماماتو افزود: در سال گذشته میلادی، ۳۴۹۸ فرد ملکی در درگیری های مختلف در افغانستان کشته و ۷۹۲۰ تن دیگر زخمی شده اند که یک سوم آنان کودکان می باشند.

بر بنیاد این گزارش، ۶۱ درصد از تلفات افراد ملکی توسط گروه های مخالف دولتی به شمول طالبان و داعش اتفاق افتاده است.

تادامیچی یوماماتو می گوید: ۴۹۵۳ غیر نظامی نیز به دست طالبان و ۸۹۹ تن دیگر در حملات انتحاری توسط داعش کشته و زخمی شده اند. بر پایه این گزارش، تلفات ناشی از حملات داعش به ویژه به اماکن مذهبی شیعیان، ۱۰ برابر در سال گذشته افزایش یافته است.

نیروهای امنیتی افغانستان مسوول ۲۰ درصد و گروه های ملیشه طرفدار دولت و نیروهای بین المللی مسوول، ۲ درصد از تلفات غیر نظامیان در افغانستان در سال ۲۰۱۶ بوده است.

سازمان ملل از تمام طرف های درگیر در افغانستان

می خواهد تا برای توقف کشتار افراد ملکی اقدامات بی درنگ را روی دست گیرند. یاماماتو گفت: "در صورتی که طرف های درگیر در جنگ تلاش جدی برای بازنگری عملیات ها و نیز پیامدهای منفی آن نکنند، سطح کشتار غیر نظامیان، بی جاشدن و دیگر مشکلات بشری همچنان در بالاترین سطح خود در افغانستان باقی خواهد ماند."

بر اساس این گزارش، در سال ۲۰۱۶ در مجموع ۹۲۳ کودک کشته و ۲۵۸۹ تن دیگر زخمی شده اند که در مقایسه با آمار گذشته، ۲۴ درصد افزایش را نشان می دهد.

گفته می شود، از سال ۲۰۰۹ که سازمان ملل ثبت آمار تلفات افراد ملکی را شروع کرد، تا کنون رقم غیر نظامیان کشته و زخمی شده در سال ۲۰۱۶ به بیشترین تعداد خود رسیده است.

آقای یاماماتو گفت: "کشته و زخمی شدن هزاران غیر نظامی در افغانستان در سال گذشته تأسف بار است، درحالی که می شود جلو آن را گرفت."

او افزود: حملات هوایی نیروهای بین المللی و نیروهای افغانستان، ۵۹۰ نفر تلفات داشته است (۲۵۰ تن کشته و ۳۴۰ زخمی) و در مقایسه با سال ۲۰۱۵ دو برابر و از سال ۲۰۰۹ تاکنون به بالاترین رقم خود رسیده است.

رییس یوناما در افغانستان نسبت به تأثیر منفی جنگ های زمینی بر افراد ملکی و نیز حملات انتحاری که تعمداً افراد ملکی را هدف قرار می دهند، ابراز نگرانی می کند. یاماماتو گفت: ۲۰۱۶ سال بی پیشینه یی از رنج و آلام مردم افغانستان بوده است.

خانم دانیل بل، رییس حقوق بشر یوناما، نیز در این نشست گفت: در سال ۲۰۱۶ حدود ۱۱۴۱۸ نفر مورد تلفات غیر نظامی در منازعات مسلحانه به ثبت رسیده است.

به گفته او: از میان ارقام ذکر شده، ۳۴۹۸ فرد ملکی کشته و ۷۹۲۰ تن دیگر زخمی شده است؛ در این میان، در مجموع ۳۵۱۲ طفل دیده می شود (۹۲۳ طفل کشته و



همچنان قتل های هدفمند و عمدی به ترتیب سایر عوامل عمده تلفات غیر نظامیان به شمار می روند. زید رعدالحسین، کمیشنر عالی سازمان ملل متحد برای حقوق بشر گفت که آمار تلفات، درد و رنج آسیب پذیرترین اقشار جامعه که قیمت گزافی در جنگ می پردازند را به تصویر می کشد.

زید گفت: "اطفال کشته، نابینا و یا فلج شده اند و یا هنگام بازی با مهمات منفجر نشده که از سوی طرف های درگیر در محلات باقی مانده اند، سهواً سبب کشته شدن دوستان خود گردیده اند. زنان هنوز هم در پروسه های موازی نام نهاد عدالت به طور وحشیانه مجازات می شوند، درحالی که اقلیت های مذهبی هنگام عبادت در مساجد مورد هدف قرار می گیرند."

این ارقام که توسط هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) به ثبت رسیده است، بلندترین آمار را از سال ۲۰۰۹ به این سو زمانی که سازمان ملل متحد آغاز به ثبت منظم شمار تلفات غیر نظامیان کرد، نشان می دهد.

۲۵۸۹ طفل دیگر زخمی شده است). خانم بل گفت: این تلفات در ولایات کابل، قندهار، ارزگان و فاریاب به ثبت رسیده است. او می گوید که ۶۱ درصد مجموعه این تلفات به مخالفین دولت نسبت داده شده، ۱۰ درصد ناشی از درگیری های زمینی بوده و ۵ درصد دیگر به واسطه اشیا منفجره به شمول بمب های کنار جاده یی می باشد.

به گفته خانم بل، از سال ۲۰۰۹ تا سال ۲۰۱۶ میلادی حدود ۲۰ هزار فرد ملکی در افغانستان کشته شده است. خانم دانیل بل، اما می افزاید که گزارش سال ۲۰۱۶ میلادی نشان می دهد تلفات زنان ۲ درصد کاهش یافته است.

در این گزارش آمده است که مانند سال ۲۰۱۵، درگیری های زمینی میان عناصر ضد دولت و نیروهای طرفدار دولت، به ویژه در مناطقی که غیر نظامیان در آن زنده گی و یا رفت و آمد دارند، منجیح دلیل اصلی تلفات افراد ملکی باقی مانده است، درحالی که مواد انفجاری تعبیه شده، حملات انتحاری و گروهی و

بخش نخست

از محطات زنده‌گی

پلی برای موفقیت بسازید!

فرشته آل علی

خودتان بهتر از هر کسی خودتان را می‌شناسید

مردی یک شب کلید خانه‌اش را گم کرده بود و نمی‌توانست وارد خانه شود. او بیرون منزل در نور چراغ کوچه دنبال کلیدش می‌گشت. کمی بعد همسایه‌اش او را دید و به کمک او آمد تا با هم کلید را پیدا کنند. اما بی‌فایده بود. پس از کلی جست‌وجو، همسایه از او پرسید: کجا کلید را گم کردی؟ و مرد پاسخ داد: داخل منزل! بیچاره همسایه متحیر مانده بود. پرسید: اگر تو کلید را در خانه گم کرده‌ی، چرا در کوچه دنبال آن می‌گردی؟ مرد پاسخ داد: چون در کوچه نور بیشتر است! حالا تصور کنید که شما جهت و معنای زنده‌گی را گم کرده‌اید. اگر از مردم بپرسید که اهداف شما در زنده‌گی چه باید باشد، درست مثل این است که در خیابان دنبال کلیدی بگردید که در خانه جا گذاشته‌اید. هیچ‌کس نمی‌تواند به شما بگوید چه‌طور به زنده‌گی‌تان معنا ببخشید. روش دیگران به درد شما نمی‌خورد. شما باید درون خودتان را جست‌وجو کنید. حتی اگر یک عمر برای یافتن پاسخ‌های خود، جای دیگری را جست‌وجو کرده‌اید، به محض این‌که به درون خودتان رجوع کنید، می‌بینید که پاسخ پرسش‌های زنده‌گی برای شما روشن می‌شود.

منابع دست‌یابی به موفقیت، دست خودتان است.

آیا شما می‌توانید بند کفش‌تان را ببندید و یا از مغازه محل خرید کنید؟ خوب اگر با اعتماد به نفس کامل می‌گویید: «معلوم است که می‌توانم» منبع این اعتماد به نفس در وجودتان هست. پس می‌توانید از آن در سایر موارد که شما را کمی نگران می‌کنند، استفاده کنید: در میان جمع صحبت کرده و یا احساسات‌تان را با دوست یا همسر و یا نزدیکان‌تان به راحتی در میان بگذارید، یا برای رسیدن به آرزوهای‌تان تلاش کنید: آیا تا به حال محبت را حس کرده‌اید؟ محبت نسبت به پدر و مادر، به فرزند و یا حتی پرنده‌یی که در منزل نگه می‌دارید. پس وقتی سرچشمه عشق و محبت در وجودتان هست، می‌توانید با دیگران هم با عشق و علاقه برخورد کنید و به همسر، فامیل، دوستان و یا حتی خودتان عشق بورزید. تصور کنید زمانی برسد که بتوانید هر وقت خواستید از تمام این منابع باارزش (عشق، اعتماد به نفس و محبت) استفاده کنید. افرادی که با عشق و علاقه زنده‌گی می‌کنند، این مهارت را در خود ایجاد کرده‌اند. تنها تفاوت آن‌ها با بقیه آدم‌ها این است که آن‌ها می‌دانند این ابزارهای موفقیت در دست‌شان است و هرگاه اراده کنند، از آن‌ها استفاده می‌کنند.

اگر گام به گام پیش بروید. به هر چه بخواهید می‌رسید.

حقیقت این است که هر نوع مهارتی را می‌توان یاد گرفت، هر مشکلی را می‌شود حل کرد و هر کاری را می‌توان به نتیجه رساند، فقط اگر مرحله به مرحله پیش بروید و کارهای بزرگ را به قسمت‌های کوچک‌تر تقسیم کنید. وقتی یک کار بزرگ را به چند مرحله کوچک‌تر تقسیم کنید، انجام آن آسان‌تر می‌شود و دیگر به نظر‌تان سنگین نیست. ما ناخودآگاه در بسیاری موارد این کار را انجام می‌دهیم، مثلاً وقتی قرار است یک شماره تلفون را به خاطر بسپاریم، اعداد آن را سه تا سه تا یا دوتا دوتا حفظ می‌کنیم.

نکته مهم آن است که اگر می‌خواهید دیوار بین خود و رویاهای زنده‌گی‌تان را بردارید، بهترین کار آن است که خشت به خشت پیش بروید تا به هدف‌تان برسید.



اشرافیت

فرهنگی

چیست؟

ناصر فکوهی

سخن گفتن از «فرهنگ مردمی» (pop-ular culture) بر آن بود که به نوعی گفتمان نخبه‌گرایانه پیشین را جبران کند و دست‌کم وجود فرهنگ را در گروه‌های فقیر و متوسط جوامع اروپایی به رسمیت بشمارد؛ هرچند بلافاصله تأکید می‌شد که این فرهنگ، فرهنگی در خور و از آن همان اقتدار است که ارزش چندانی ندارد. و در علوم اجتماعی و انسانی مکتب «مطالعات فرهنگی» بیرنگام و به ویژه ریمون ویلیامز (Raymond Williams) و ادوارد هال (Edward Hall) بود که توانست نشان دهد فرهنگ و مصرف توده‌یی کالاهای فرهنگی دارای ارزشی پژوهشی است و زیبایی‌شناسی بیشتر ابداعی جامعه‌شناختی است تا ارزشی نهفته در بطن اشیا. استدلالی که بورديو در دهه بعد با کتاب «تمایز» خود به اوجی نظری رساند.

اشرافیت فرهنگی بدین ترتیب تا حد زیادی قابلیت استنادی خود را در حوزه‌های هنری و فرهنگی از دست داد، به خصوص که از سال‌های دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، گروه بزرگی از آثار هنری، با رادیکالیسمی که اندی وارهول در هنر امریکایی ایجاد کرد، رسماً خود را در رده مدرنیسم «مردمی» قرار می‌دادند و نخبه‌گرایی کلاسیک را به زمانه‌یی در گذشته متعلق می‌دانستند. اما این بدان معنا نبود که لایه‌های بسیار درونی شده اشرافیت فرهنگی از میان بروند به ویژه آن‌که این اشرافیت از نیمه قرن بیستم تا حد زیادی به گونه‌یی «اشرافیت سیاسی» و «اشرافیت دانشگاهی» انتقال یافت و بیهوده نبود که بورديو دو اثر از مهم‌ترین آثار خود یعنی «اشرافیت دولت» (La Noblesse) و «د'Etat» و «انسان دانشگاهی» (Homo Academicus) را به این دو حوزه اختصاص داد تا نشان دهد که دعوی نظام دموکراتیک مبنی بر وجود نوعی برابری شایسته‌سالارانه بیشتر از آن‌که واقعیتی در کنش اجتماعی باشد، اسطوره‌یی در نظام‌های زبان‌شناختی است.

در قرن نوزدهم زمانی که اندیشمندان بریتانیایی، ادوارد برنت تایلر (Edward Burnett Taylor) کتاب معروف خود را با عنوان «فرهنگ ابتدایی» منتشر می‌کرد، در حقیقت در حال انجام کاری جسورانه بود، زیرا به‌رغم آن‌که صفت «ابتدایی» (primitive) را به «فرهنگ» اضافه کرده بود تا استدلال خود را مبنی بر این‌که مردمان غیر اروپایی و به اصطلاح آن‌ها «وحشی» (savage) نیز می‌توانند «فرهنگ» داشته باشند، توجیه کند، بازهم در فضایی سخن می‌گفت که گفتمان غالب در آن اشرافیت‌گرایانه و ویکتوریایی (victorian era) بود. منظور، دوران معرفت‌ملکه ویکتوریا در این کشور است که در طول آن که تقریباً با قرن نوزدهم و اوج استعمار بریتانیا نیز انطباق دارد، «فرهنگ» و «هنر» صرفاً در حوزه اشرافیت به رسمیت شناخته می‌شد. در نگاه نخبه‌گان اشرافی بریتانیایی و به صورتی عام‌تر اروپایی، فرهنگ صرفاً می‌توانست از خلال فرایندهای آموزشی و تربیتی در اقتدار بالای جامعه از نسلی به نسلی منتقل شود و هرچند این اشرافیت هرگز نمی‌پذیرفت که صفت «نژادگرا» را برای خود بپذیرد، اما در عمل نه فقط رنگین‌پوست‌ها را کاملاً پست‌تر از خود می‌دانست، بلکه حتی اقتدار فقیر خود جامعه اروپایی را نیز با عنوان تحقیرآمیز «عوام» (folk) می‌نامید. «اشرافیت» خود را برگزیده، نخبه و دارای امتیازاتی «طبیعی» می‌شمرد و این اندیشه را می‌توانست تا ارسطو به عقب بازگرداند. از این رو «فرهنگ» و «هنر» را نیز کاملاً از آن خود می‌شمرد و برایش قابل تصور نبود که مجسمه‌های چوبی و گلی افریقایی، یا موسیقی «زشت» بومیان، در ردیف «هنرهای زیبا» (fine arts) قرار بگیرند. اما این تفکر به تدریج با گسترش نظام‌های دموکراتیک و دموکراتیزه شدن فرهنگ هم‌زمان با گسترش سازمان‌یافته‌گی مردم جوامع، تا حدی عقب‌نشینی کرد و در نیمه قرن بیستم

اما آنچه بورديو در نظام‌های نظری نشان داد، نمی‌توانست لزوماً در نظام‌های کنشی با قدرت عمل کند و این به همان دلایلی است که خود او ارایه داده بود، یعنی نظریه قدرت. در واقع «اشرافیت فرهنگی» روی دیگر سکه «اشرافیت سیاسی» است که یکدیگر را به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم تأیید می‌کنند. در چنین حالتی، همان‌طور که درباره مفهوم زیبایی با هنر نمی‌توان از ارزشی مطلق سخن گفت، صحبت کردن از ارزشی مطلق و ذاتی در فرهنگ نیز چندان معنایی در بر ندارد. حتی اگر وجود سلسله‌مراتب‌ها در این حوزه نیز سخن به میان بیاید، این سلسله‌مراتب‌ها بیشتر جنبه کارکردی و نسبی دارند که کنشگران، موقعیت‌ها و استراتژی‌ها آن‌ها را تبیین و تعریف و محقق می‌کنند. اما آنچه در «اشرافیت فرهنگی» وجود دارد، جنبه سلبی آن نسبت به گسترش دموکراتیک فرهنگ است. در حقیقت به همان اندازه که بتوان فرهنگ را در حدودی غیر قابل دسترس قرار داد و آن‌چه را بورديو به آن «کم‌بایی» نام می‌داد حفظ کرد، به همان اندازه نیز می‌توان از نوعی «اشرافیت» و یا به زبانی رایج‌تر در میان اهل قلم و فرهنگ از نوعی «اصالت» دفاع کرد. اشرافیت در نهایت نوعی مصونیت برای کسانی ایجاد می‌کند که می‌توانند از طریق آن مرزهایی نهادینه برای خود به وجود آورده و موقعیت‌های عموماً مادی دارای امتیاز را از لحاظ اجتماعی برای خود و برای دیگران توجیه کنند. پرسش نهایی در این‌جا می‌تواند این باشد که در چنین صورتی آیا باید «ارزش کاربردی» دانش و فرهنگ را در همه سطوح و همه کنشگران یک‌سان دانست و در این صورت چه‌گونه می‌توان چنین ادعایی را با واقعیت‌های روابط اجتماعی انطباق داد؟ پاسخ آن است که اولاً این «ارزش» یکی نیست، سطح دانش از لحاظ کاربردی بودن یعنی میزان تأثیرگذاری اش بر واقعیت بی‌شک متفاوت است، به عنوان مثال هرگز نمی‌توان ادعا کرد که قابلیت یک پزشک متخصص جراحی مغز بر تأثیرگذاری بر تحول یک بیماری با هر دانشی بومی گیاه پزشکی در این زمینه برابری می‌کند؛ اما این نکته را نیز نباید از یاد برد که «دخالت در واقعیت» خود یک برساخته اجتماعی است که در حوزه‌های طبیعی بازتعریف می‌شود و نه به خودی خود یک «طبیعت بدیهی» آن‌گونه که خواسته می‌شود در سلسله مراتب فرهنگی پذیرفته شود.

اعظم عامل نیک

در نگاه اول وقتی درباره‌ی دشوارنویسی صحبت می‌شود، ناخودآگاه همه یاد نثر بیپه‌ی و کشف‌الاسرار و نوشته‌های جامی می‌افتند؛ اما واقعیت این است که این نثرها واقعاً نثرهای سختی نیستند. در این مقاله می‌خواهم درباره‌ی پیچیده‌نویسی صحبت کنم. پیچیده‌نویسی اتفاقی است که قبل از تولد ادبیات داستانی می‌افتد. می‌خواهم بگویم این چیست. فکر می‌کردیم که مثلاً سعدی خیلی سخت می‌نویسد و این کاملاً اشتباه است؛ اتفاقاً امثال سعدی نویسندگانی بودند که به زبان عام می‌نوشتند و شاید به همین دلیل ماندگار شدند.

آوانگاردیسم

آوانگارد بودن از نگاه یک فرد عادی، یک عمل بسیار ساده است؛ در صورتی که اصلاً این‌طور نیست. یک هنرمند آوانگارد که می‌تواند داستان‌نویس، نقاش یا... باشد، در اوج عجب‌و‌غریب بودن، کارش بسیار پیچیده و سخت است. چون همیشه تنها چیزی که مهم هست، همین است؛ یعنی این‌که دنبال نوآوری باشند و راه‌های جدید را امتحان کنند. شاید اصلاً قرار نباشد سبک این نویسندگان یا شاعران را دیگران دنبال کنند، ولی جاده صاف کنی می‌شوند برای بقیه.

مثل «ترستان تزارا» که بنیان‌گذار مکتب دادایسم بود. گرچه در حال حاضر هیچ اثر ادبی از او باقی نمانده، ولی هم‌چنان یکی از تأثیرگذارترین جریان‌های ادبی مدرن است. یا مثلاً «جیمز جویس» معروف نویسنده‌ی بزرگ ایرلندی. گرچه بعد از او هیچ نویسنده‌ی نتوانست به سبک او داستان بنویسد، ولی یکی از بزرگ‌ترین داستان‌نویس‌های قرن است و بارها دیگران سبک نگارش او را به شیوه‌های گوناگون تکرار کرده‌اند. گرچه شمار این نویسندگان اندک است، ولی نویسندگانی هم بودند که سال‌ها به عنوان آوانگارد شناخته می‌شدند و داستان‌های شان بارها خوانده می‌شد، اما بعد از مدتی بعد از مرگشان دیگر خبری از آن‌ها نبود.

دنیای قشنگ نوع

تمام این سبک‌هایی که گفتیم به یک طرف، رمان نو یک طرف. رمان نو جریانی ادبی است که در فرانسه شکل گرفت. اتفاقاً این جریان نه به آن صورت آوانگارد بود و نه بیانی‌های عجیب‌و‌غریب مثل سوررئالیست‌ها می‌دادند. این‌ها دقیقاً دنبال

همین موضوع بودند، یعنی این‌که سخت بنویسند. نویسندگانی هسته‌ی اولیه این گروه عبارت بود از «اتالی ساروت»، «کلود سیمون»، «مارگریت دوراس»، «آلن روب گریه» و «میشل بوتور». مثلاً همین کلود سیمون در یکی از مصاحبه‌هایش از سختی بیش از حد داستان‌هایش یاد می‌کند و می‌گوید که بعضی از رمان‌هایی را که نوشته، حتا همسرش هم نصفه‌کاره رها کرده است. کلود سیمون برنده‌ی جایزه نوبل است، رمان «جاده‌ی فلاندر» او هم به فارسی ترجمه شده است. این داستان خواندنش واقعاً دشوار است. چون فکر کنید یک صفحه‌نیم از داستان را می‌خوانید و هنوز جمله تمام نشده و نقطه دقیقاً در صفحه بعدی گذاشته شده است.

نقطه صفر دنیا

وقتی به تاریخ هنر نگاه می‌کنید، می‌بینید چه قدر این شاخه‌های هنری به هم نزدیک هستند. یعنی غیر ممکن است اگر بخواهید ادبیات را درک کنید، نقاشی نبینید یا این‌که سینما بدون تئاتر یا عکاسی اصلاً معنا ندارد. این دقیقاً اتفاقی است که می‌خواهیم درباره‌اش صحبت کنیم، درباره‌ی سه دوستی که یک‌رقم‌هایی دنیای هنر را در یک برهه‌ی زمانی، حسابی تحت تأثیر خود قرار دادند. «لوئیس بونول» فیلم‌ساز و «سالوادور دالی» نقاش و «لورکا» شاعر. این سه نفر معروف بودند به این‌که زیاد به کارهایی که می‌کردند، فکر نمی‌کنند. بونول سازنده‌ی اولین فیلم صامت تاریخ سینما بود؛ فیلمی که اصلاً معنی مشخصی نداشت. دقیقاً به همین دلیل به آن سوررئالیسم گفتند، یعنی ویرای واقعیت. این جریان اول از همه در ادبیات بوده است، به همین خاطر می‌خواهیم درباره‌ی سخت‌نویسی صحبت کنیم. این سوررئالیست‌ها یعنی آندره برتون و لوئیس آراگون، پل الوار و گیوم آپولیز برای نوشتن اصلاً کار عجیب‌و‌غریبی انجام نمی‌دادند. در بیانی‌های اولشان تنها چیزی که مهم نیست، همین نگارش و ادبیات است. یک شیوه‌ی نوشتن دارد که خوراکی انشاء‌نویسی در دوران مکتب است. این‌که قلم را به دست بگیرید و بدون این‌که فکر کنید، بگذارید دست‌تان هر چه می‌خواهد در هر فوتنی در هر اندازه‌ی بی با هر شکلی، با هر گونه جمله‌بندی بنویسد. کلی از شعرهای معروف این شاعر از همین شکل شروع شد. این جریان بعد از مدتی از بین رفت، ولی واژه‌ی را به هنر اضافه کرد که می‌شود گفت یکی از مهم‌ترین اتفاقات هنری این دو قرن بود.

سخت بنویس تا جاودگار باشی!



بخشی از این دشوارنویسی به تاریخ برمی‌گردد. مثلاً در قرون وسطا در اروپا، نوشتن کتاب‌های درسی و علمی به نوعی ممنوع بوده است. به همین خاطر خیلی از دانشمندان حرف آثار علمی خود را به صورت نمایش‌نامه می‌نوشتند. همین گالیله معروف که آخر هم گفت زمین دور خورشید نمی‌چرخد، کتابی دارد که یکی از مهم‌ترین بحث‌های ریاضی آن دوران و یکی از مهم‌ترین بحث‌های پایه ریاضی است. تمام این کتاب به صورت دیالوگ بین دو نفر است و وقتی شروع به خواندن این اثر می‌کنید، شکلش به هم‌چیز می‌خورد به غیر از رمان!

آن‌هم هنر آوانگارد است. سفرهای گالیله یک بخش از این دشوارنویسی به تاریخ برمی‌گردد. مثلاً در قرون وسطا در اروپا، نوشتن کتاب‌های درسی و علمی به نوعی ممنوع بوده است. به همین خاطر خیلی از دانشمندان حرف آثار علمی خود را به صورت نمایش‌نامه می‌نوشتند. همین گالیله معروف که آخر هم گفت زمین دور خورشید نمی‌چرخد، کتابی دارد که یکی از مهم‌ترین بحث‌های ریاضی آن دوران و یکی از مهم‌ترین بحث‌های پایه ریاضی است.

سپید مذهب در سلسله ساسانی

سارا یوسفی‌نژادی

از همان اوایل تأسیس سلسله ساسانی، دو مذهب مانوی و زرتشتی به نمایندگی مانی و کرتیر برای تبدیل شدن به دین رسمی کشور تلاش می‌کردند. آیین مانوی از آن‌جا که عناصر اصلی ادیان رسمی را در خود داشت، مناسب به نظر می‌رسید و آیین زرتشت به‌خاطر سازگاری با سنت‌های آریایی، جلب نظر می‌کرد. کرتیر، موبدی زرتشتی که در زمان سلطنت شش تن از پادشاهان ساسانی یعنی از اردشیر یکم تا نرسی، سیاست‌مدار درجه اول مملکت بود، به عنوان مدافع سرسخت دین زرتشت، دشمنی قوی برای مانی به حساب می‌آمد. در زمان اردشیر بابکان نخستین پادشاه ساسانی، دین زرتشت در رأس ادیان دیگر قرار داشت، اما چون هنوز قدرت کافی را به‌دست نیاورده بود، در مقابله با آیین‌های دیگر راه سازش را برگزید. پس از اردشیر مقارن با سلطنت شاپور اول ساسانی، مانی ادعای پیامبری کرد، شاپور هم که می‌دید آیین مانی نظر مساعدی راجع به همه ادیان دارد و درهای مانویت به سوی تمام آدمیان با هر وضع و نژادی گشوده است، از این دین حمایت کرد شاید به این امید که یک دین جدید بتواند با ادیان به‌روز دنیا هم‌گام شود و پایه‌های شاهنشاهی را



مستحکم‌تر کند. بعد از مرگ شاپور اول، کرتیر مجال یافت پیروان مانی را مورد آزار و اذیت قرار دهد تا جایی که به سرزمین‌های دیگر مهاجرت کردند. مانی محکوم و اعدام شد، ولی بعد از مرگ کرتیر در زمان جانشین شاپور، نرسی، دوباره کمی از مانویان حمایت شد و سایه آتشگاه برای مدتی از سر تاج و تخت دور گشت. در زمان شاپور دوم، امپراتور روم رسماً مسیحی شد و از مسیحیان ساکن ایران حمایت کرد و همین امر باعث شد که مسیحیت که تا آن روز فقط یک اقلیت دینی در ایران به حساب می‌آمد، ناگهان تبدیل به یک دشمن خانه‌گی شود و این دشمنی‌ها کم‌وبیش در دوران شاهی بهرام چهارم، یزدگرد دوم و بهرام گور، یزدگرد دوم و پیروز یکم ادامه داشت تا زمان بلاش که دین مسیحیت را در ارمنستان به رسمیت شناخت و تا حدودی به دشمنی بین مسیحیان و ایرانیان پایان داده شد. بعد از بلاش در زمان سلطنت قباد یکم، موبدی به نام مزدک با نزدیک شدن به قباد، او را به انجام یک سلسله اصلاحات اجتماعی برانگیخت و سعی کرد با رواج نظام برابری از توان زمین‌داران و موبدان بکاهد. قباد هم با حمایت از او توانست در توده مردم محبوبیتی پیدا کند. شاه انبارهای قله را به روی مردم گشود و زمین‌های کشاورزی را میان دهقانان تقسیم کرد. همین امر باعث دشمنی اشراف و موبدان با قباد شد و در نهایت شاه مجبور شد از این نهضت جدید دست بردارد و به این ترتیب، انقلاب مزدکی به پایان رسید. خسرو پسر قباد با باز گذاشتن دست مسیحیان در انتشار

آیین خود و با بی‌اعتنایی به موبدان، کمی از قدرت روحانیون زرتشتی کاست و در زمان او مسیحیان توانستند به مقام‌های حکومتی دست یابند. به طور کلی از زمان شاپور دوم، مسیحیان مورد سوءظن قرار گرفتند و مانویان هم نتوانستند به قدرت کافی برسند و این موقعیتی بود برای آیین زرتشت که با حکومت همراه شود و ایران را بعد از وحدت سیاسی به وحدت دینی نیز برساند. پس دین زرتشت با اتکا به قدرت دنیوی، توانست به مرتبه دین رسمی کشور دست یابد. در اواخر دوران ساسانی، گرایش به کار و کوشش که اساس دین زرتشت بود، از بین رفت و در مقابل میل به زهد و ترک دنیا بیشتر شد که از ادیان دیگر مثل بودائیت و مسیحیت گرفته شده بود. زروانیان که شاخه‌ی از دین زرتشت بودند، اعتقاد به جبر را رواج می‌دادند. با گذشت زمان بر تعداد کلیساها افزوده می‌شد و هم‌زمان آیین‌های بودایی، مزدکی، مانوی و یهودی به حیات و فعالیت خود ادامه می‌دادند. همه این عوامل باعث شد که آیین زرتشتی در اواخر عمر خود دچار فرسایش شود و دین رسمی کشور که به نوعی پایه‌های حکومت هم بود، متزلزل گردد و در نهایت سلسله ساسانی را به انحطاط بکشاند.

اکرم خپلواک:

حزب اسلامی باید خلع سلاح شود



ناحیه نوری

می کنند. دولت وزیري سخنگوی وزارت دفاع ملی به روزنامه ماندگار گفت: ما از فیصله های دولت افغانستان در مورد حزب اسلامی حمایت می کنیم و هر هدایتی که به ما داده شود را انجام می دهیم. اما کریم امین، نماینده با صلاحیت حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار روز یکشنبه ۱۷ دلو در کابل گفت که خلع سلاح افراد این گروه، مشمول توافق نامه صلح با حکومت افغانستان نیست. وی می گوید: «سلاح در زمین گذاشته شده، آتش بس شده، در این توافق نامه تسلیمی سلاح مطرح نیست، بلکه انحلال بخش نظامی است. امکان ندارد که در یک منطقه مجاهدین حزب اسلامی، خلع سلاح شوند و یا سلاح شان را به زمین بگذارند. درحالی که مورد تهدید امنیتی کسانی استند که هنوز هم می خواهند جنگ را ادامه بدهند و خون ریزی ادامه پیدا بکند.» این سخنان در حالی ابزار می شود که در ماده

اکرم خپلواک رییس کمیسیون تطبیق توافق نامه صلح دولت با حزب اسلامی می گوید: حزب اسلامی باید خلع سلاح شود و مهمات خود را تسلیم کند؛ زیرا معنی پیوستن به روند صلح، تسلیمی سلاح و مهمات است. آقای خپلواک به روزنامه ماندگار گفت که پیوستن به پروسه صلح به معنای تسلیم سلاح و مهمات به حکومت افغانستان است؛ زیرا کسانی که شامل حکومت می شوند باید سلاح خود را تسلیم دولت افغانستان نمایند. خپلواک در مورد مکانیزم جمع آوری سلاح و مهمات حزب اسلامی گفت: کمیسیون ما روی مکانیزم جمع آوری سلاح و مهمات افراد حزب اسلامی کار می کند. در همین حال، مسوولان در وزارت دفاع ملی می گویند که از تصمیم و برنامه های حکومت برای خلع سلاح کردن حزب اسلامی حمایت

رییس اجرایی:

برفباری های بی سابقه ۱۰۷ کشته برجا گذاشت



داکتر عبدالله عبدالله، رییس اجرایی می گوید که بر اثر برفباری ها، برف کوچ ها و سردی هوا در چند روز گذشته، ۱۰۷ نفر جان باخته اند.

داکتر عبدالله، روز دوشنبه (۱۸ دلو) در نشست شورای وزیران گفت که ۱۰۷ نفر در سرتاسر افغانستان در اثر برف های شدید جان های شان را از دست داده اند.

رییس اجرایی می گوید که برفباری های اخیر در کشور بی سابقه بوده و ادارات ذیربط آمادگی کامل را برای عملیات نجات روی دست گرفته اند.

آقای عبدالله از شهروندان کشور خواست که به پیام ها و اطلاعاتی که از سوی کمیته حالت اضطرار و مقامات مسوول به آنها داده می شود توجه جدی کرده و از رفت و آمدها خود داری نمایند.

آقای عبدالله می گوید که روز گذشته برفباری در سرتاسر افغانستان صورت گرفته اما در ۲۲ ولایت کشور ریزش برف شدید بوده است. وی بیان داشت: "برفباری یک خبر خوش برای مردم افغانستان بود چون در سالهای قبل این برفباری ها کم بود تاثیرات ناگوار داشت بالای ذخیره های آب اما در عین حال تلفات و حوادث را نیز در پی داشت."

او تصریح کرد: "دیروز (پیروز) در سرتاسر افغانستان برفباری صورت گرفت که در ۲۲ ولایت افغانستان برفباری شدید بوده است که بیشترین تلفات در ولایت بدخشان و نورستان به وقوع پیوسته است."

وی همچنین از هماهنگی ادارات ذیربط و والیان در ولایت ها ابراز قدردانی کرده گفت که روز گذشته در اثر هماهنگی و همکاری ادارات صدها

تن در نقاط مختلف کشور از برف کوچ های احتمالی نجات یافته اند. آقای عبدالله از رسانه ها و وزارت اطلاع و فرهنگ نیز خواست که از آرایه آمار و ارقام در مورد تلفات ناشی از برفباری ها توجه کرده و آمار موثق را به مردم اطلاع رسانی نمایند. او گفت: "گزارشی که روز گذشته از تخریب شدن ۲۱۰۰ خانه مسکونی در شهر کابل در ساحه که بیجا شدگان در آنجا زندگی می کنند، صحت نداشته است." آقای عبدالله بیان داشت که صبح روز گذشته شاهراه سالنگ به روی ترافیک باز شده است و تلاش ها برای پاک کاری و باز کردن صدها

کیلومتر جاده در نقاط مختلف کشور جریان دارد. وی به مردم اطمینان داد که در ساحات آسیب پذیر با باز شدن راه های مواصلاتی کمک های بشری توزیع می شود. این درحالی است که براساس گزارش ها در ولایات مختلف کشور ۱۲۹ تن کشته شدند و بیشترین تلفات در ولایت نورستان به وقوع پیوسته است. از ولایت نورستان گزارش ها می رساند که یک روستای که در آن ۵۰۰ خانواده در آن زنده گی داشتند زیر برف کوچ شده است.

غنی:

د افغانستان په اړه غونډو کې باید افغان پلاوی هم گډون ولري



افغان ولسمشر غواري د افغانستان په اړه کېدونکو غونډو کې د دغه هېواد استازي هم گډون ولري. ولسمشر غني د افغانستان په اړه وروستيو درې اړخيزو سيمه ييزو غونډو ته په اشاره، په راتلونکي کې په ورته غونډو کې د افغانستان د استازي د گډون غوښتنه وکړه. د افغانستان د جمهوري رياست مرستيال وياند، شاه حسين مرتضوي ازادي راډيو ته وويل چې ولسمشر محمد اشرف غني دا غوښتنه د يکشنبې په ورځ افغانستان او پاکستان ته د چين له ځانگړي استازي سره مطرح کړه.

نوموړي زياته کړه:

"اشاره يې درې اړخيزو غونډو ته وه چې په دې وروستيو کې وشوې، ولسمشر ټينگار وکړ چې داسې غونډې چې کېږي، اجندا او هدف يې بايد مشخص وي او که د افغانستان په اړه وي، بايد د افغانستان استازي هم په داسې غونډو کې حضور ولري او که د سيمې دولتونه د سولې لپاره دا فعاليتونه کوي، دا هڅې بايد د افغانستان د دولت، د نړيوالې ټولني او د اسلامي هېوادونو سره يو ځای د سولې اړوندې وي او که داسې نه وي، په هغه صورت کې نه يوازې د سولې په برخه کې مرسته نه کوي بلکې کولای شي په سيمه کې له ځان سره نور خطرونه رامنځته ولري."

د چين استازي له افغان ولسمشر سره د ليدو پر مهال د ملگرو ملتونو له تور لېست څخه د گلبدین حکمتیار د نوم د لېري کېدو هرکلی وکړ. افغانستان او پاکستان ته د چين ځانگړي استازي ډينگ شيچون له ولسمشر غني سره پرون ماښام په ارگ کې وکتل.

وروستي راپورونه وايي چې د روسيې، چين او پاکستان د استازو تر منځ د افغانستان په اړه په مسکو کې غونډه وشوه.

د دغو راپورونو پر اساس، په دې غونډه کې د افغان حکومت په استازيتوب څوک نه وو.

د ولسي جرگې د کورني امنيت د کميسيون يوه غړي صالح محمد صالح ازادي راډيو ته وويل چې چين کولای شي د افغانستان د سولې په پروسه کې رغند رول ولوبوي.

نوموړي زياته کړه:

"د افغانستان جگړه يوه سيمه ييزه او استخباراتي جگړه ده، گاونډيان په ځانگړې توگه سيمه ييز هېوادونه کولای شي د سولې لپاره کار وکړي، مطمئن یم که چين وغواري د افغانستان د سولې لپاره رښتني کار وکړي، کولای شي چې پر پاکستان او طالبانو فشار راوړي، خبر يو چې له طالبانو سره روابط لري او له دې هېڅ څوک سترگې نشي پټولای، چين د پاکستان، ايران او روسيې تر څنګه کولای شي يو ښه رول ولوبوي."

افغانستان او پاکستان ته د چين ځانگړي استازي له ولسمشر غني سره د کتلو پر مهال د ملگرو ملتونو له تور لېسته د حزب اسلامي د مشر گلبدین حکمتیار د نوم لېري کېدو هر کلی وکړ.

افغانستان او پاکستان ته د چين ځانگړي استازي په دې کتنه کې وويل چې د ملگرو ملتونو له تور لېست څخه د گلبدین حکمتیار د نوم ایستلو په اړه چين مرسته کړې ده.

د افغانستان د جمهوري رياست په خبرپاڼه کې د شيچون له قوله ويل شوي چې طالبان يې د مذاکراتو لپاره هڅولي دي او پر پاکستان هم د څلور اړخيزې غونډې تر سره کېدو لپاره ټينگار شوی دی.

ښاغلي غني په دې غونډه کې ويلي چې طالبانو په خپلو فعاليتونو سره گڼ شمېر نورو تروريستي ډلو ته لاره پرانيستې ده چې دده په وينا، د چين او نورو سيمه ييزو هېوادونو ثبات ته هم خطر پېښوي.



فیسبوک نامه

دستگیر روشنیالی



"په هغه ټولنه کې چې استبداد د برخلیک په توگه منل شوی وي، مستبدین هم د خطر احساس نه کوي. دا خطر هغه وخت احساس کېږي چې خلک ددې فهم پیدا کړي چې استبداد د دوي برخلیک نه دی" هگل

قسمت، نصیب... ټولنه له ځانه بیگانه او د پېښو او ناخوالو په وړاندې یې بې تفاوته کوي. دا دارونکي مسله ده. پېښو او ستونزو ته د ځان سپارل او په خپله فکر او چاره نه کول یوه لویه ټولنیزه تباهي ده. دې حالت ټولنه یې شکله او بې وسه کړي ده او یو په بل پسې واک پالان او مستبدین په اسانې ورباندې غلبه او حکومت کوي. دا د ټولني د بې وسې او بې شکلي پایله ده چې ټولنه په ځان کې وي او د ځان له پاره نه وي.

د پېړیو په اوږدو کې استبداد او په تیره بیا ذهني استبداد هڅه کړي خلک په موجود حالت قناعت او رضایت ته راووبولي ترڅو غوښتني را پورته نه کړي، تر څو د خپل حق غوښتنه او د خپلې ازادې څرگندونه ونه کړي. دلته د خوارانو "ناشکري" ته د "خدای نافرمانی" او د ثروتمندانو بې حده حرص ته د "خدای رضایت" ویل کېږي. همدا خواران له یوې خوا باید د خرافاتو او افسانو یرغمل وي او له بلې خوا باید خواران همیشه د عاجزې، بې وسې او د بل لاس ته د کتلو په احساس ژوند وکړي، خواران باید خوارې، فساد، ظلم، استبداد د خپل برخلیک په توگه ومني، تر څو د همدې ناخوالو په وړاندې غلې او بې تفاوته پاتې شي. همدا اوس اوس ټولنه څومره د ناخوالو او فساد په وړاندې بې تفاوته ده.

رښتیا دا ټولنه له یوې خوا د خوارې او له بلې خوا د ناپوهې او جهالت له څومرو لویو ستونزو سره مخامخ دی. جگړه، فساد، خوارې، بیکاري انکار نه منونکي واقعیتونه دي، خو ټولنه یې په وړاندې بې تفاوته پاتې کېږي. ځان یې برخلیک ته سپارلی، څه چې کېږي، کېږي به او دا دیوې ژوندي ټولني ځانگړتیا نه دی.

عبدالحی خراسانی



توافق با حکمتیار؛ صلح یا توطیه؟

جوانان ما باید مسلح به (شمشیر و قلم) و آماده دفاع مقدس از حریم هويت، فرهنگ، آزادی، عزت و عظمت ادوار درخشان جهاد و مقاومت ملی مردم افغانستان باشند.

من زمانی که خواستم نیروهای جوان ما که در سالروز شهادت سپهسالار جهاد و زعيم مقاومت ملی به خیابانهای کابل می آیند، منظم، آهنین و قدرتمند بدرخشند، عده بی بر این قلم نقد بستند که بی بندوباری را توصیه می کنند! حالا هم صریح و شفاف خواهان تنظیم هدفمند جوانان ما برای بحرانهای پیش بینی نشده کابل هستم.

امروز نماینده حکمتیار به روشنی اعتراف می کند که شبکه نظامی و تروریستی حزب اسلامی بدون این که خلع سلاح شوند، وارد کابل می گردند! این یعنی زیر پا نهادن قانون اساسی و سواستفاده از توافق صلح جهت اهداف نظامی معین حزب در کشور.

به نظر می رسد حکمتیار با سیاست راهبردی جنایتکارانه در نظر دارد بخش های از کتله های تروریست مسلح را زیر عنوان شبکه نظامی با خود به کابل بیاورد، زیرا حزب اسلامی هم اکنون فاقد نیروهای کارآمد جنگی می باشد و همین درممانده گی و بی چاره گی و فقدان نیرو نظامی سبب شد که به طرح صلح روی آورد. حکومت وحدت ملی باید با تمام قوا بر ورود باند حزب اسلامی نظارت داشته باشد و تمام افراد وابسته به حزب را قبل از ورود به اجتماع خلع سلاح کند.

حکمتیار در نظر دارد با استفاده از موافقت نامه صلح، باندهای تروریستی و جوقه های اعدام حزب را به صورت رسمی وارد جامعه کند. جوانان ما باید بیدار و هوشیار باشند.

امرالله صالح



چشم دل چیست: دیروز یک خانم جوان که نابینا است با یک نفر عضو خانواده و دو نفر از همکارانش به دیدن من آمده بود. من فکر می کردم او شاید کمک بخواهد یا به خودش یا برای نابینایان شهر. اما وقتی به سخن گفتن آغاز کرد، روحیه خیلی شاد داشت. هر لحظه می خواست به من تفهیم کند که از من و دیگران هیچ فرقی ندارد. او آمده بود تا با من در باره پایان نامه ماستری دومش در محور این که اتکای تجارتي و استراتژییک افغانستان در نتیجه سیاست خارجی چندمحوری سالهای اخیر چه مقدار به پاکستان کاهش یافته است؟ مصاحبه کند.

او برایم گفت که با استفاده از نرم افزار خاص از تمام برنامه های کمپوتر به شمول شبکه های اجتماعی کار می گیرد. فیس بوک دارد و آن را نیز هر روز چک می کند. برای ۱۲۰ تن از نابینایان زمینه تعلیم و آموزش فراهم ساخته است. تلاش دارد مانند کشورهای دیگر، صنف نابینایی را در موسسات تعلیمی و آموزشی با صنف های عادی مدغم کند و دیگر نابینایی معلولیت حساب نشود.

سوالهایش به حدی عمیق و علمی بود که فکر کردم من نابینایم. وقتی شهادت، علمیت، اعتماد به نفس و روحیه شاد این خانم را دیدم، با خود گفتم که آیا او نابینا است یا صدها هزار و یا هم میلیون ها آدم چشم دار و بینا که از فرصت ها درست بهره گرفته نمی توانند؟ چشم دارند، ولی دل نه. قریب بود که از فرط احساس خوشحالی و روحیه یی که این خانم به من ایجاد کرده بود، اشک بریزم و فریاد کنم. خودم را کنترل کردم. او چنان سرشار از انرژی و فهم بود که دعوت اش کردم برای شماری از چشم دارها و بینایان نابینا سخنرانی کند و چشم دل را به ما به معرفی بگیرد. او متاهل است و در کابل زنده گی می کند. چشم ها را باید شست و زنده گی را طور دیگری باید دید. بلی.

کشول جهان نا

پنس:

فشار برای اجرای سریع ممنوعیت ورود مسلمانان دارد

معاون رییس جمهور امریکا با ابراز ناامیدی از حکم قاضی فدرال برای لغو ممنوعیت مسلمانان هفت کشور به امریکا بر ادامه فشار ترامپ برای اجرای سریع این ممنوعیت تأکید کرد.

مایک پنس در مصاحبه یی با فاکس نیوز گفت: "مردم امریکا باید بدانند، تهدیداتی که ما با آن ها مواجه هستیم، واقعی اند. آنان رییس جمهور دونالد ترامپ را به دلایل زیادی انتخاب کرده اند، اما یکی از آن ها بازبینی سیاست های مهاجرپذیری بود. کسانی که یک تهدید برای خانواده ها و جامعه ما محسوب می شوند، نمی توانند وارد این کشور شوند. ما به فشار در این بخش ادامه خواهیم داد و با اطمینان یادآوری می کنیم که اقدامات رییس جمهوری همه گی حقوقی است و منطبق بر قانون اساسی است."

رییس جمهور امریکا در واکنش به حکم قاضی فدرال به لغو دستور خود، او را مسوول هرگونه اتفاقی دانسته که ممکن است در این کشور رخ دهد.

باتوجه به حکم قاضی فدرال، ۶۰ هزار ویزایی که پیش از این بی اعتبار شده بود، مجدداً دارای اعتبار بوده و دارنده گان این ویزا در تلاش هستند در اولین پرواز و قبل از باطل شدن احتمالی حکم این قاضی وارد امریکا شوند.

وزیر داخله هند:

پاکستان برای پیوستن این کشور به هند، همه پرسی برگزار کند

وزیر داخله هند با انتقاد از اقدامات تحریک آمیز پاکستان در کشمیر گفت که اسلام آباد برای مطلع شدن از نظرات مردم این کشور برای پیوستن به هند، همه پرسی برگزار کند.

راجنات سینگ، دیروز دوشنبه در جمع مردم هاریدوار، کشمیر را بخش جدایی ناپذیر هند دانست و افزود: هیچ قدرتی نمی تواند کشمیر را از این کشور جدا کند. او تصریح کرد که پاکستان باید نخست نظر مردم خود را برای پیوستن به هند جویا شود.

وزیر داخله هند، پاکستان را متهم به تلاش برای افزایش تنش بین دو کشور کرد و افزود، هند همواره خواستار صلح و دوستی با پاکستان بوده است. او از پاکستان خواست تا به جای طرح برگزاری همه پرسی در کشمیر، با تروریست ها مبارزه کند.

راجنات سینگ با اشاره به حمله محدود هند به پایگاه شبه نظامیان در پاکستان، خاطرنشان کرد: این حمله نشان داد که هند هرچند کشوری صلح طلب است، اما در برابر حمله های تروریستی ساکت نمی نشیند.

این سخنان وزیر داخله هند در واکنش به برگزاری روز کشمیر در پاکستان و انتشار فلم هایی در این خصوص بیان می شود. پاکستان پنج فبروری را به نام روز کشمیر نام گذاری کرده است.

نواز شریف، نخست وزیر پاکستان نیز روز گذشته در پیامی، مسأله کشمیر را مهم ترین اختلاف میان هند و پاکستان اعلام کرد.

تنش میان هند و پاکستان از چند ماه گذشته به علت خشونت های کشمیر و حمله شبه نظامیان به پایگاه ارتش در ایالت جامو و کشمیر افزایش یافته است. ارتش هند در ماه اکتبر در پاسخ به حمله شبه نظامیان به پایگاه ارتش در شمال کشمیر، در حمله یی تلافی جویانه، هفت پایگاه شبه نظامیان در داخل خاک پاکستان را هدف قرار داد.

به گفته مقامات دفاعی هند، در این حمله بیش از ۳۵ شبه نظامی و ۹ نیروی نظامی پاکستان کشته شدند.

کشمیر در ۶۹ سال گذشته و پس از استقلال و جدایی هند و پاکستان از یکدیگر، در سال ۱۹۴۷ مهم ترین علت اختلاف دو کشور بوده است. بخشی از کشمیر در خاک پاکستان و بخش دیگر در خاک هند قرار دارد و هر دو کشور ادعای مالکیت بر کل آن را دارند و این یکی از دلایل اصلی اختلافات دو کشور بوده است.

پنتاگون هزاران حمله هوایی خود را مخفی کرده است

پایگاه «میلیتری تایمز» فاش کرد که وزارت دفاع امریکا هزاران مورد از حملات هوایی ارتش این کشور که طی سال های گذشته در عراق، سوریه و افغانستان صورت گرفته، اعلام نکرده است.

براساس این گزارش، طی سال گذشته ایالات متحده دست کم ۴۵۶ حمله هوایی در افغانستان انجام داد که در مرکز اطلاعات نیروی هوایی امریکا ثبت نشده است. طبق گزارش مذکور، این حملات به دست بالگردها و پهپادهای ارتش امریکا انجام شد.

هم چنین براساس گزارش میلیتری تایمز که خودش را یک سازمان خبری مستقل توصیف می کند، بسیاری از موارد اعلام نشده از اکتبر ۲۰۰۱ به بعد است. پنتاگون و ارتش اسمریکا هنوز پاسخی در این رابطه ندادند.



۳ برد و ۳ باخت حاصل ورزشکاران افغانستان در تاجیکستان



ورزشکاران مسابقات آزاد افغانستان در رقابت های جهانی این رشته در شهر دوشنبه تاجیکستان صاحب سه برد و سه شکست شدند.

در این مسابقات نصرت الله آخندزاده در وزن ۷۰ کیلوگرم حریف ازبکستانی اش، امید سادول لایوف، را شکست داد.

نثار احمد وطن دوست، در وزن ۸۴ کیلوگرم، بختاور دولت، حریف تاجیکستانی اش را به زانو درآورد و اسماعیل حیدری در وزن ۶۶ کیلوگرم، داوون حسن اووف، ورزشکار ازبکستان را شکست داد.

شکرالله قادری، ورزشکار افغانستانی در وزن ۶۰ کیلوگرم، عمران سخی زاده در وزن ۷۷ کیلوگرم و محفوظ وفا، در وزن ۶۶ کیلوگرم در برابر حریفان تاجیکستانی شان شکست خوردند.

این مسابقات به میزبانی کشور تاجیکستان در شهر دوشنبه برگزار و از طریق تلویزیون و بخش آنلاین تلویزیون ۱ برای میلیون ها مخاطب به نمایش درآمد. در این مسابقات علاوه بر افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان، ایران و برزیل شرکت کرده بودند و این نخستین بار بود که ۷ مبارز آزاد افغانستان در رقابت های جهانی تاجیکستان در این کشور شرکت کردند.

فدراسیون کرلینگ افغانستان به زودی افتتاح می شود



فدراسیون کرلینگ افغانستان با عضویت ۳۰ ورزشکار آغاز به فعالیت می کند.

منور شهزاد، رییس فدراسیون کرلینگ افغانستان گفته است: علاقه مندی جوانان به این رشته ورزشی بیشتر است و کار ساخت میدان های ورزشی کرلینگ نیز خاتمه یافته است.

آقای شهزاد افزود است که اساسنامه این فدراسیون از سوی سازمان جهانی کرلینگ نیز تأیید شده است. براساس معلومات آقای شهزاد، این فدراسیون تا اخیر این هفته رسماً افتتاح می شود. کرلینگ یک ورزش زمستانی است که روی میدان های ساخته شده از یخ بازی می شود.

Mandegar

کارشناسان روس:

تلاش دارند روابط روسیه و افغانستان را خدشه دار سازند



مقامات روسیه اعلام کرده‌اند که از پروسه صلح در افغانستان حمایت می‌کنند و از هیچ کمکی در این روند برای دولت کابل دریغ نمی‌ورزند.

ضمیر کابلوف نماینده رییس جمهور روسیه در امور افغانستان و پاکستان گفته است که مسکو خواهان برقراری امنیت در تمام سرزمین افغانستان است.

این درحالی است که چندی قبل نماینده‌گان کشورهای روسیه، پاکستان و چین در مسکو دیدار کردند و وضعیت امنیتی افغانستان را به ارزیابی گرفتند. به گفته نماینده‌گان هر سه کشور، وضعیت امنیتی افغانستان در حال حاضر مناسب نیست، لذا باید از دولت افغانستان حمایت بیش از پیش شود.

روسیه همچنین تاکید کرده که پشتیبان پروسه صلح در افغانستان است و اگر با طالبان تماسی برقرار کرده، اصلاً جنبه حمایت مادی و تسلیحاتی نداشته، بلکه هدف فقط آشتی ملی و صلح در افغانستان است.

وزارت خارجه روسیه همچنین اعلام کرده که "طرفدار قاطع" قوانین بین المللی است و خارج از چارچوب قانون به هیچ وجه عمل نمی‌کند، نه در افغانستان و نه در هیچ کجای دیگر.

روسیه در تلاش جلوگیری از نفوذ داعش

آنا تولی گالی یف کارشناس سیاسی امور خاورمیانه، جلوگیری از گسترش نفوذ داعش در افغانستان و منطقه را حائز اهمیت خوانده و گفته است با توجه به اینکه غرب در افغانستان در مبارزه با تروریسم در ۱۵ سال گذشته موفق نبوده، روسیه تلاش دارد در این زمینه نقش فعال داشته باشد،

پنج ایالت آلمان در مورد اخراج پناهجویان افغانستان تردید دارند

بعد از دو مرحله اخراج دست جمعی پناهجویان رد شده افغانستان از آلمان، پنج ایالت این کشور در این رابطه تامل و تردید دارند. دلیل اصلی خودداری برخی ایالت‌ها از اخراج افغان‌ها، وضعیت رو به وخامت امنیتی افغانستان است.

به گزارش روزنامه‌های گروه رسانه‌ای «فونک»، بعد از ایالت‌های شلسویگ هولشتاین و برلین، حالا بریمن، نیدرزاکسن و راینلند فالس نیز با توجه به وضعیت امنیتی افغانستان، نسبت به اخراج افغان‌ها مردد اند. وزارت داخله ایالت نیدرزاکسن در هاننور در پاسخ این گروه رسانه‌ای گفته است که به دلیل این که «وضعیت امنیتی افغانستان به اندازه کافی واضح نشده است»، بازگشت دادن پناهجویان به این کشور «در صورت تردید تا روشن نشدن وضع امنیتی به تاخیر انداخته شود». البته گفته شده است که این مساله شامل حال مجرمان واجد شرایط اخراج نمی‌شود.

همچنین در گزارش این روزنامه‌ها گفته شده است که ایالت راینلند فالس نیز فعلاً تنها مجرمان و افرادی را که برای امنیت عامه خطر تلقی می‌شوند، به افغانستان اخراج خواهد کرد. یک سخنگوی وزارت داخله این کشور گفت: «گزارش جدید کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان، موضع وزارت را در این رابطه تقویت می‌کند». این اداره ملل متحد در گزارش اخیر خود گفته است که وضعیت امنیتی افغانستان در ماه‌های اخیر بدتر شده است.

همچنین ایالت بریمن نیز موضع مشابه دارد و دلیل آن را وضعیت امنیتی افغانستان عنوان کرده است. یک سخنگوی حکومت این ایالت گفت: «فعلاً بریمن (پناهجویان را) به افغانستان اخراج نمی‌کند، چونکه بررسی هر مورد جداگانه منتج به موانعی برای اخراج شده است که در جمع آن‌ها، تاملات امنیتی نیز شامل بوده است».

وزارت داخله فدرال آلمان بعد از یک تفاهنامه در مورد بازگشت پناهجویان با حکومت افغانستان در ماه اکتوبر از ایالت‌ها تقاضا کرد که پناهجویان رد شده افغان را اخراج کنند. اخراج دست جمعی مهاجران رد شده افغان از آلمان در ماه دسمبر شروع شد و در ماه جنوری ادامه یافت.

حمایت غرب است. او با بیان اینکه به دقت گزارش رسانه های منطقه را مطالعه می کند، ابراز تاسف کرد که غرب تلاش دارد با حمایت بعضی رسانه ها، اخبار دروغین را نشر کنند که به ضرر روابط افغانستان و روسیه تمام شود.

گفتنی است وزرای خارجه روسیه و افغانستان قرار است نوزدهم دلو برابر با ۷ فبروری در مسکو دیدار کنند.

وزارت خارجه روسیه رسماً اعلام کرده که در این دیدار مسکو حمایت خود را بار دیگر از پروسه صلح در افغانستان اعلام خواهد کرد. به باور کارشناسان این دیدار می تواند ثابت کند که روسیه پشتیبان جدی "دولت افغانستان" است.

و تجربه در سوریه نشان داده که روسیه می تواند در این زمینه در افغانستان نقش مهمی داشته باشد.

در عین حال او می گوید: بعضی‌ها از اینکه روسیه مانع گسترش داعش در افغانستان شود نگران اند، چون غرب اگرچه شعار حمایت از صلح در افغانستان سر می‌دهد، اما تجربه نشان داده که صلح در افغانستان را حقیقتاً نمی‌توانند یا نمی‌خواهند تامین کنند.

وی به سخنان مقامات روسیه که گفته اند با طالبان تماس برقرار کرده اند اشاره نموده و هشدار داد کسانی تلاش دارند با سوء استفاده از سخنان مقامات روسیه، با انتشار سخنان نادرست روابط بین دولت افغانستان و روسیه را خدشه دار کنند.

به باور وی، نشر سخنان و گزارش های نادرست در رسانه ها علیه روسیه، با



مؤسسه تحصیلات عالی زاوول

نهاده علمی، آکادمیک و مؤثر در کشور

با داشتن استادان متخصص باسویه‌های بلند تحصیلی، صنوف معیاری، لابراتوارهای مجهز سیستم درسی به میتودهای قبول شده بین المللی، کتابخانه مجهز، فضای سبز عالی محیط زیست، تنوع در سیستم آموزشی نظری و عملی.

- طب معالجوی
- طب ستوماتولوژی
- حقوق و علوم سیاسی
- کامپیوتر ساینس
- اقتصاد

و همچنان برای روند پیشرفت تحصیلی فارغان صنوف (۱۴) ستوماتولوژی و قابلیت با ابتکار و فعالیت علمی سیستم بریچینگ یا متمم لسانس در پوهنخی های:

- ستوماتولوژی (طب دندان)
- قابلیت
- خدمت گذار هموطنان عزیز و شایقین علوم معاصر در افغانستان
- بهترین موقعیت - محیط آکادمیک زمینه ساز رشد محصل محوری

